

اولویت های کنونی بمنظور تعیین سرنوشت سرزمین ازپافتاده ما چگونگی گشودن گره کورگسترش فقر درکشور عزیزما افغانستان جلوگیری از قربانی ارزش های اصیل دروغای سیاست

مشخصه ایدئولوژی های تندروانه در امر حکومتداری
تاریخ پیچیده و ساختار اجتماعی متنوع کشور ما
نوع تغییر مسیر رخدادها در میهن ما افغان ها
بمیراث شکوه مند تمدنی نباید آسیب رساند

اصل تعیین سرنوشت یکی از اصول پایه حقوق بین الملل معاصر می باشد. این اصل در ماده یک منشور و در زمره اهداف و مقاصد سازمان ملل ذکر شده است. حق تعیین سرنوشت، بویژه از زمان تدوین میثاق های بمتابه حق شهروندان بمنظور تعیین نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در چارچوب آن زندگی می نمایند، تعریف شده است. تا مدت ها بحث بر سر این بود که عزم و اراده خودی به چه کسانی اطلاق میگردد؟ پاسخ ها محدود بود، باشنده های مستعمرات، شهروندان سرزمین های تحت سلطه بیگانه و گروه های نژادی تحت تسلط رژیم نژادپرست. آیا تعریف خودی یا خود بهمین جا و بهمین مقدار ختم می شود؟ پایان جنگ سرد، همانطور که بسیاری از اصول حقوق بین الملل را تحت تاثیر تحولات جدید و بی سابقه ای قرارداد، بر اصل تعیین سرنوشت نیز تاثیر چشمگیری داشت. توجه روز افزون به مسأله دموکراسی، ارزش های حاکمیت دموکراتیک و حقوق بشر از یکجانب و حقوق اقلیت ها از جانب دیگر، دامنه مفهومی این اصل را غنی کرد و بان استحکام بخشید. اکنون مرکز نقل پرسش در خصوص اصل تعیین سرنوشت دستخوش تغییر گردیده بود؛ اگر قبلاً بر سر تعیین مفهوم "خود" اختلاف نظر وجود داشت، اکنون این پرسش مطرح بود که "شهروندان" با توجه بمعانی مختلفی که در موقعیتهایی بر آن بار میشود، بر بنیاد حق تعیین سرنوشتش تا چه حد میتواند برای خود تعیین کننده باشد؟ با حدود چهار سده، رویه عملی در خصوص اصل تعیین سرنوشت باید گفت کابین ایده بهیچوجه ایده جدیدی محسوب نمی گردد. در واقعیت امر، تاریخ طرح اصل تعیین سرنوشت شهروندان بنحوی که منجر ب ایجاد و پایه گذاری دولت - ملت شود، به صلح ویستفالی در سال ۱۶۴۸ باز می گردد. با اینحال، در مورد مبدأ و منشأ آن اصلن اتفاق نظر موجود نمی باشد. در سیستم سازمان ملل، برین نکته تاکید بعمل میآید که بحث در مورد اصل تعیین سرنوشت یکی از حوزه هایست که دستاوردهای سازمان ملل در آن حوزه از ارزش تاریخی و برجسته برخوردار میباشد.

مبحث کنونی را از فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی و سرزمین کشور عزیز ما (ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی) آغاز مینماییم. تصمیم مبنی بر ترک سرزمین کشور عزیز ما افغانستان، در نهایت امر، منجر به فراخواندن نظامیان یاد شده از میهن ما شد. اما نباید فراموش نمود که بر بنیاد برنامه های امریکایی، اصل پایان حضور جنگجویان آنکشور و نظامیان ناتو در کشور عزیز ما تحت نام "مأموریت نیروهای بین المللی کمک بامنیت (ایساف)" در سال ۱۳۹۳ خورشیدی هنوز بمعنای پایان مأموریت ائتلاف بین المللی و به تبع آن، پایان حضور نظامی - سیاسی آنها در کشور ما محسوب نمی گردید. همزمان با خروج واحدهای نظامی و جنگی یاد شده از کشور عزیز ما، واشنگتن تلاش بعمل آورد تا بنحوی از انحاء، اصل حضور نظامی اش را در کشور ما بگونه ای حفظ نموده و بخشهایی از حمایت های غیر نظامی، فنی و خدماتی را در پایگاههایی که قرار بود بمتابه پایگاههای دانمی ایالات متحده برسمیت شناخته شود، باقی بگذارد. موضوع فوق، بگونه تمام عیاری با اظهار نظرهای ریاست جمهوری ایالات متحده، تأیید شد که بر بنیاد آن، بویژه پس از سال ۱۳۹۳ خورشیدی، در کشور عزیز ما عده کوچکی از نظامیان امریکایی همچنان بموجودیت شان ادامه

داده که در وضعیت اینچینی، پایگاه‌های خدماتی و کمک‌رسانی آنها در سرزمین و اراضی آسیای مرکزی نیز باید حفظ می‌گردید.

بربنیاد اطلاعات موجود، بویژه قبل از فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان، این واقعیت مشخص گردیده بود که پس از خروج نظامیان امریکایی از کشورما، حاکمیت سیاسی درکشورونظامیان موجود، باید دودسته به "طالب" ها پیشکش گردد که چنین هم شد و مطابق برنامه از قبل تعیین شده پشت پرده، "طالب" ها بگونه مجدد و با کمک و معاونت مستقیم اداره اسلام آباد به تصرف قدرت درکشورمبادرت ورزیدند.

فرآیند خروج نظامیان خارجی بگونه کاملن بینظم درحال شکل‌گیری بود و بویژه، سرعت و عجله در امر فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی متعلق بکشور عزیزما، خروج و فراخواندن نظامیان امریکایی از ویتنام جنوبی را در اذهان تداعی نمود. فراخواندن نظامیان امریکایی از کشورما در وضعیت کاملن بی‌اطمینانی، بویژه از منظر زمان بندی، تأمینات لوژیستیکی، موضع "طالب" ها و هم‌پیمانان شان، چگونگی چشم‌انداز جستجوی راه‌های صلح‌آمیز بمنظور حل و فصل بحران موجود، مواضع دول‌کشورهای همجوار، بویژه نوع نگاه و عملکردهای اسلام آباد، صورت عملی بخود اختیار نمود. در امتداد ماه جدی سال ۱۳۹۳ خورشیدی، دولت فرانسه اعلام نمود که نظامیان آن کشور، عملیات محاربه‌ی در افغانستان را متوقف نموده و در امتداد سال ۱۳۹۴، یعنی یک سال زودتر از مهلت اعلام شده توسط ناتو، بگونه کاملی بترک اراضی متعلق به افغانستان مبادرت خواهند ورزید. بتاريخ ۱۱ ماه دلو سال ۱۳۹۳ خورشیدی، وزارت دفاع ایالات متحده اعلام نمود که حضور نظامیان بین‌المللی در افغانستان الی نیمه سال ۱۳۹۴ بفورمول "آموزش و مبارزه" منتقل شده و عملیات محاربه‌ی متوقف خواهد گردید.

درمورد نتایج پیشبینی شده در امر فراخواندن نظامیان امریکایی و ناتواز کشورما، موارد ذیل قابل‌یاددهانی یاددهانی پنداشته می‌شد:

نیروهای امنیتی کشورما در مقطع زمانی یادشده، شامل یکصد هزارتن نظامی می‌گردید. هسته عمده و کادرکلیدی قوت‌های یادشده را نیروهای قبلی "اتحاد شمال" (هموطنان تاجیک و ازبیک ما) تشکیل می‌دادند. درین رابطه، با خروج نظامیان خارجی برهبری ناتواز کشورما، مناطق جنوب و شرق کشور بسرعت تحت نظارت "طالب" ها قرار گرفته و بگونه کاملی بر مناطق و محلات یادشده مسلط گردیدند. بر همین بنیاد، ممکن بود وضعیت مشابهی تکرار گردد. بگونه نمونه اگر درگیری جدی میان "اتحاد شمال" و "طالب" ها شکل می‌گرفت، چشم‌انداز درگیری‌های اینچینی، بویژه برای مخالفان "طالب" ها، حتا با در نظر گرفتن کمکها و مساعدت‌های بیدریغ و هنگفت بین‌المللی، بشدت دشوار بنظر می‌رسید. درین مقطع زمانی، تبدیل شدن ملیت‌های باهم برادر بجزایر جدا از هم، بویژه در امتداد خطوط و مشخصات قبیلوی و کمک‌های اداره اسلام آباد به افراط‌گرایان اسلامی درکشور عزیزما و سراسر جهان را نباید فراموش نمود.

برهان الدین ربانی در ماه سنبله سال ۱۳۹۰ خورشیدی بواسطه انفجار موادی که در عمده یکتن از عاملان انتحاری جاسازی شده بود، بقتل رسید. در شرایط اینچینی، وضعیت ستراتیژیک دستخوش تغییراتی گردید. ربانی بمثابه یکی از تأثیرگذارترین چهره‌ها برای شهروندان تاجیک کشورما پنداشته میشد، نامبرده از سال ۱۳۷۱ - ۱۳۸۰ خورشیدی بمثابه رئیس جمهور کشور شناخته می‌شد. قبل از مرگش، ربانی در رأس شورای عالی صلح کشور قرار داشته و بمثابه شخصی پنداشته می‌شد که مسؤلیت روند صلح در کشور را برعهده داشت.

اما بخاطر ما باشد که بخش مهمی از "ستراتیژی خروج" نظامیان امریکایی، یکی هم سرهم بندی نمودن مذاکرات با "طالب" ها و از همه مهمتر، تلاش بمنظور جدانمودن "طالب" ها از "القاعده" و همچنان سعی بمنظور تطمیع نمودن برخی از فرماندهان میدانی تشکیل می‌داد.

درواقعیت امر، جان آلن، فرمانده آنزمان نیروهای بین‌المللی تأمین امنیت اظهار نموده بود که مرگ ربانی شاهد دیگری برین مدعا می‌باشد که با وجود صدور و نشر اعلامیه‌های پی‌اندرپی "طالب" ها، بویژه در خارج از محدوده افغانستان، آنها نه بخاطر استقرار صلح در کشور، بلکه بدنبال تداوم درگیری‌های مسلحانه می‌باشند. در وضعیت اینچینی، باور و گمان اغلب این بود که ترکیب نیروها درکشور عزیزما بوضاحت کامل بنفع آشتی ملی و بازگشت به صلح نبود. اقلیت‌های ملی کشورما از اصل بقدرت رسیدن "طالب" ها که ممکن توسط بخش قابل‌توجهی از شهروندان کشور حمایت‌گردند، نگران بودند. در شرایط و موقعیت متذکره، اقلیت‌های یادشده، نه تنها از مجموع ساختارهای دولتی و حکومتداری بحاشیه رانده می‌شدند، بلکه ممکن بود، بگونه بالقوه ای قربانی سیاست‌های تبعیض‌آمیز نخبگان "طالب" ها گردند.

در گزارش بنشر رسیده تحت عنوان "ریسک های جهانی" که در تهیه آن بتعداد ۱۴۹ تن از کارشناسان برجسته جهان شرکت ورزیدند، سناریوی یاد شده بسیار محتمل توصیف شده بود که بر بنیاد آن، کشورهای آسیای مرکزی تحت تأثیر ترکیبی از مشکلات جمعیتی و اقتصادی در "گروه تحت خطر" قرار می گیرند.

در شرایط و وضعیت سقوط اقتصاد جهانی، ممکن قیمت مواد خام صنعتی کاهش یابد، در حالی که قیمت مواد غذایی بویژه تحت تأثیر رشد جمعیت جهان افزایش خواهد یافت. در وضعیت اینچنینی، تضعیف پوتانسیل کشورها ممکن بر امور مربوطه اثر منفی بجا گذاشته و بویژه معضلات و مشکلات مرزی را (بیشتر در ارتباط با افغانستان و کشورهای همجوار آن) افزایش میبخشد، از جمله رشد و گسترش بنیادگرایی مذهبی، فعالیت های جنایی و انجام عملکردهای تروریستی.

پرسشی که در رسانه های جهانی، بویژه درباره انتقال "بهار عربی" به آسیای مرکزی مطرح بود، بر بنیاد واقعیت های موجود، اصلن بی بنیاد بود. اما در وضعیت اینچنینی، بویژه با توجه و تعمق به رخدادها در جهان عرب، از تهدید های جدی امنیت منطقوی، لحظه ای هم نباید غفلت بعمل می آمد.

با توجه با افزایش نفوذ اسلامگرایان در جهان اسلامی عرب، بویژه پس از "بهار عربی"، در برخی از مناطق کشور های جهان، از جمله در آسیا و بویژه در کشور عزیز ما افغانستان، در خط آموزش های دینی و انتشار ادبیات مذهبی، ترویج مناسبتری صورت عملی بخود اختیار نمود.

همچنان تبلیغات اینچنینی می توانست مبارزه رادیکال های اسلامی را علیه قدرت های سیکولار و اسلام سنتی در سرا سر جهان تقویه نماید. روند رادیکالیزه شدن، بویژه از طریق تقویت موضعگیری های "طالب" ها در کشور ما بدلائل تمایل روشن و واضح ایالات متحده و پاکستان، بنوعی "توافق" با اسلام گرایان در کشور ما بیش از هر زمان دیگر تسریع گردید.

بگفته بسیاری ها، چنین تصویری گردید که پس از فراخواندن نظامیان ناتواز سرزمین متعلق با افغانستان، بویژه در برخی از کشورهای آسیای مرکزی خلای قدرت ایجاد خواهد گردید. برخی ها هم معتقد بودند که بسیاری از مسایل مربوط به ژئواستراتیژی نیز حل و فصل خواهد گردید. در این مورد بابتکار برخی ها، توا فتنامه ای بمنظور ایجاد منطقه آزاد تجاری در کشورهای مشترک المنافع بامضا رسید.

از جمله موارد بحث، یکی هم مسأله ایجاد "کمربند امنیتی" وحل و فصل سایر معضلات و مشکلات موجود در امتداد مرزهای کشور ما بود و در زمینه با تأکید خاطر نشان گردید که نه روسیه و نه هیچکدام از کشورهای عضو پیمان امنیت جمعی، آماده نیستند تا نظامیان شان را بمنظور سهیمگیری در عملیات های محاروبی به افغانستان بفرستند. چه، علاوه برین، هرگونه فرصتی در مورد مشارکت روسیه در مأموریت کشور ما، با توجه بتاریخ پیچیده روابط دوجانبه، و اکنش منفی در کشور ما بجا می گذاشت.

بمنظور انجام اقداماتی، تمرکز تلاش های بین المللی در مورد حل و فصل مسایل مختلف مربوط بکشور عزیز ما، لازمی بنظر می رسد تا ائتلاف های منطقوی میان ساختارهای بین المللی، چه با سازمان همکاری های شانگهای، چه با اتحادیه اروپا و ناتو برای مبارزه با تهدیدهای تروریستی در مجموع آسیای مرکزی ایجاد گردد.

در صورت تعامل با ساختارهای اروپایی و اتلانتيک شمالی، همکاری ها باید بر بنیاد اصل مشارکت متقابل بنا گردد. یعنی بدون مصالحه با منافع کشورهای عضو و سایر حوزه هایی که با غرب اختلاف نظر وجود دارد، ایجاد و شکل گیری ائتلاف ها، نه بگونه جدا جدا، بلکه بمنابۀ سازمان های منطقوی و بر بنیاد تعامل شبکه یی، مفید می باشد که بخودی خود می تواند اهمیت اصل انعطاف پذیرتری در پاسخگویی به تهدیدها را افزایش بخشد.

در حال حاضر، در کشور عزیز ما و در مجموع آسیای مرکزی، گسترش فعالیت ها و عملکردهای افراطی - تروریستی، عملن بمشاهده می رسد که بنحوی از انحاء با فرا خواندن نظامیان خارجی از کشور ما، افزایش کلی روحیه افراط گرایی در جهان اسلام، بویژه پس از حوادث پسین، بشکلی از اشکال، مشکلات و معضلات اقتصادی مربوط به بحران جهانی را افزایش بخشد.

یکشنبه ۲۸ ماه سرطان سال ۱۴۰۴ خورشیدی برابر با ۲۰ ماه جولای سال ۲۰۲۵ ترسای